

تحلیل گفتمان دعای بیست و هفتم صحیفه سجاده

بر اساس الگوی هاج و کرس

زهرا جلیلی^{۱*}

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.31160.1175](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.31160.1175)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵



چکیده

دعای بیست و هفتم صحیفه سجاده، با موضوع دعا برای مرزداران، نیایش جامع و کاملی است که مؤلفه‌های مهمی، مانند ساختار متناسب زبانی و کاربری واژگانی در این موضوع را، با ظرافت هرچه تمام‌تر تبیین می‌کند؛ فلذا تحلیل گفتمان موجود در دعا می‌تواند ساختار عقیدتی موجود در دعا را روشن‌تر نماید. از جانی دیگر، تحلیل گفتمانی، شیوه‌ای نوین و کارآمد برای بررسی کلام گفتاری و نوشتاری است که دو زبان‌شناس معاصر به نام هاج و کرس، ابداع نموده و پایه تحلیل خود را بر چهار رکن نام‌دهی، اسم‌سازی، به‌کارگیری مجهول در برابر معلوم و جملات کنشی در برابر اسنادی نهاده‌اند. این جستار به روش توصیفی-تحلیلی، الگوی هاج و کرس را مبتنا قرار داده و با بررسی مؤلفه‌های عقیدتی و ایدئولوژیکی متن دعا، به مطالعه گفتمان موجود در دعای بیست و هفتم صحیفه سجاده پرداخته و جهت‌گیری کلی آن را تبیین نموده است. خلاصه‌ای از نتایج تحقیق حاکی از آن است که در مؤلفه نام‌دهی، مفاهیمی مانند پررنگ نمودن پاداش اخروی مجاهدین و استقامت رزمندگان آمده و در مؤلفه اسم‌سازی، معانی‌ای مانند ریشه‌کنی دشمن و جانشینی مجاهدین ذکر شده است که هر دو در راستای ایدئولوژی الهی می‌باشد. در مؤلفه جملات انتقالی و اسنادی، بیش‌ترین بسامد از آن جمله‌های انتقالی و مربوط به کنش‌هایی است که در مرحله دعاست. در مؤلفه جملات مجهول و معلوم مفاهیمی مانند پرستش خدا و علت آن آمده است که اقرار به وحدانیت خداست و در مؤلفه جملات اسنادی سببی، معانی‌ای مانند یگانگی و بی‌شریکی پروردگار ذکر شده که در راستای جهان‌بینی توحیدی است. در دعای مذکور مؤلفه جملات اسنادی هم-سانی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، متون دینی، دعای بیست و هفتم، صحیفه سجاده، الگوی هاج و کرس

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. Z.jalili@pnu.ac.ir



۱. مقدمه

صحیفه سجاده این قرآن صاعد از گنجینه‌های ادب عربی است که آموزه‌های الهی و انسانی خود را در دو سطح ساختاری و بیانی، در قالب دعا به جان مخاطبان می‌نشانند و ادعیه آن می‌تواند از زوایای مختلف ادبی، بلاغی، ساختاری و گفتمانی مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا مفاهیم آن آشکار گردد. از جمله این ادعیه، دعای بیست و هفتم صحیفه، برای مرزداران است. ساختار این دعا و ادبیات جامع و کامل آن، ظرفیت قابل‌اعتنایی است تا از دیدگاه زبان‌شناسی انتقادی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در این دعا از خداوند خواسته شده است تا مرزهای مسلمین را به عزت و قدرت خود، محافظت فرماید و مرزداران را، به نیروی خود توانایی بخشد تا وظایف محوله را، هرچه بهتر به انجام رسانند. امام (ع) در این دعا در نظام اعتقادی خود به بصیرت‌افزایی در دوحوزه اعتقادی و سیاسی می‌پردازد (فارسی مدان، ۱۴۰۱: ۱۳۴). این دعا مملو از ظرائف و دقایق بیانی و گفتمانی در زمینه مرزبانی است و می‌توان از روش تحلیل گفتمان، برای کشف دیدگاه امام سجاد (ع) در مرزبانی و نکات و ظرائف موجود در این حوزه، بهره برد. تحلیل گفتمان یکی از شاخه‌های جدید زبان‌شناسی است که به‌عنوان ابزاری نوین برای بررسی و مطالعه متون ادبی، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن، گفتمان موجود در این متون، از زوایای مختلف نقد و ارزیابی می‌شود. ریشه‌های این تحلیل را می‌توان در کتب صرفی، نحوی و بلاغی نیز مشاهده نمود؛ اما تاریخ تحلیل‌های گفتمانی و نقدی در این زمینه، به میانه قرن بیستم بر می‌گردد. ابزارهای این تحلیل، بسته به این‌که از کدام رشته گرفته می‌شود، متفاوت است؛ ولی عناصر اصلی آن، تجزیه و تفکیک، طبقه‌بندی و ترکیب و صورت‌های صرفی و نحوی است که در بیشتر مطالعات تحلیل گفتاری می‌توان مشاهده نمود. در تحلیل گفتمانی، متون گفتاری و نوشتاری، متأثر از عوامل مختلفی است و می‌توان از منظر علوم متفاوتی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... آن را ارزیابی نمود. دو نظریه کنش گفتاری فلسفی و تحلیل گفتگوی جامعه‌شناسی نقش مهم و محوری در این تحلیل دارند. اساس تحلیل گفتمانی، نگاهی فرامتنی است و در آن ارتباط بین کلام و شرایط اجتماعی و روابط غیرکلامی و کلامی مطالعه و بررسی می‌شود و پیوند موجود میان زبان و اندیشه مورد کنکاش قرار می‌گیرد. بنابراین تحلیل، گفتمان‌ها به‌نوعی محدودیت دست می‌زنند؛ زیرا درصدد معرفی جهان‌بینی خاص هستند که مانع از بروز جهان‌بینی‌های دیگر شود (صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۲: ۱۰۸). برای تحلیل گفتمان از الگوهای تحلیلی مختلفی استفاده می‌شود که مشهورترین آن الگوی هاج و کرس است. این الگو چهار مؤلفه اصلی نام‌دهی، اسم‌سازی، به‌کارگیری جملات مجهول به‌جای معلوم و



بالعکس و جملات کنشی و اسنادی دارد و نگاه کلی و جهان‌بینی حاکم بر متن را مورد مذاقه قرار می‌دهد.

این پژوهش درصدد پاسخ به پرسش‌های پیش‌روست:
متن دعای بیست و هفتم در برگیرنده کدام رکن از ارکان چهارگانه تحلیل گفتمان بر اساس الگوی هاج و کرس است؟

این دعا در لایه‌های کلامی خود، چه جهان‌بینی یا ایدئولوژی را تبیین می‌کند؟
مؤلفه‌های چهارگانه نام‌دهی، اسم‌سازی، جمله‌های مجهول و انتقالی و اسنادی دعا، دربردارنده چه معنا و مفهومی است؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش ابتدا به تحقیقاتی در رابطه با برخی از متون و موضوع تحلیل گفتمان اشاره می‌شود:
- صفایی علی و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی (ع) به معاویه» به بررسی نامه مذکور، با استفاده از تحلیل گفتمان پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که گفتمان مشروعیت امام برای تثبیت و ترویج و تقویت در برابر گفتمان مخالف (معاویه)، از امکانات زبانی، گزینش‌های متناسب و باریکی در راستای مشروعیت‌بخش انجام داده است.

- العامری، فضیلة عبوسی محسن (۱۴۳۹)، در تحقیقی با عنوان «بلاغة الحجاج فی ادعية السجاد علیه السلام دراسة تداولية الصحيفة السجادية انموذجا» به مطالعه معانی بلاغی موجود در ادعیه صحیفه سجادیه و تحلیل ادبی آن پرداخته است و به انسجام و اتساق لفظ و معنای صحیفه می‌پردازد و در این راه، انواع مختلف بلاغی چون تکرار، وصل، حذف، اقتباس و غیره را نام می‌برد و از جمله به تکرار در صلوات اشاره دارد که اثر بسیاری در ایمان مؤمنین دارد و تأکید ادعیه ما بعد آن است.

- کاظمی و دیگران (۱۴۰۲)، در جستاری با نام «تحلیل انتقادی گفتمان دعای صباح امام علی (ع) بر اساس الگوی نورمن فرکلاف» به تحلیل گفتمانی دعای مذکور با تکیه بر نظریه فرکلاف پرداخته و به نتیجه رسیده‌اند که ایدئولوژی غالب در گفتمان در موضوع بیان عظمت خداوند و قدرت و حکمت او و بخشنده‌گی و رحمت و تفویض امور به خداوند و راز و نیاز با خدا خلاصه شده است و بر این اساس بیش‌ترین حجم واژگان برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی انتخاب شده است.

- صیادی‌نژاد روح الله و دیگری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان دعای چهل و نهم صحیفه سجادیه با تکیه بر الگوی هاج و کرس» به بررسی دعای مذکور، با تکیه بر الگوی فوق پرداخته-



اند. از جمله نتایج این تحقیق آن است که مؤلفه اسم‌سازی در این دعا، در جهت معرفی و اثبات پایه‌های اصلی حاکمیت حق است و امام سجاد (ع) در این دعا سعی در مقابله و خنثی‌سازی گفتمان باطل و معرفی و جایگزینی گفتمان حق دارند.

- علایی‌رحمانی فاطمه و دیگری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای دعای هفتم صحیفه سجادیه» به مطالعه و تحلیل دعای مذکور پرداخته‌اند و در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که جهت‌گیری اصلی مضامین این دعا توحیدی است و دعا درصدد آن است تا نگاه انسان را نسبت به سختی‌ها اصلاح کند و به وی نشان دهد که هر آنچه وجود دارد متعلق به خداست و همین موضوع تحمل سختی‌ها را برای انسان آسان می‌کند.

با توجه به مطالعات مذکور، تحقیقی با موضوع تحلیل گفتمان دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه بنا بر الگوی هاج و کرس مشاهده نشد و لذا پژوهش پیش رو از این جهت قابل اعتناست.

۲.۱. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

توجه به متن صحیفه سجادیه که در قالب دعا، مباحث عرفانی و انسانی والایی را طرح می‌کند، زمینه مناسبی است تا گفتمان موجود در آن، مورد مذاقه قرارگیرد و ظرائف مفهومی آن هرچه روشن‌تر گردد. یکی از طرق مؤثر تحلیل متون ادبی، تحلیل گفتمان انتقادی است. تحلیل گفتمان انتقادی، بحث میان‌رشته‌ای است که علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی به آن مرتبط است و متون ادبی از زوایای مختلف علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه که دعایی برای مرزداران است، در عباراتی نغز برای ایشان دعا نموده و پیروزی آنان بر دشمنان اسلام را از خداوند خواسته است. عبارت‌های دعا، دغدغه امام علیه السلام را در خصوص پیروزی مرزداران، در قالب گفتمانی جامع الاطراف به‌خوبی نشان می‌دهد. امام سجاد علیه السلام در این دعا از جانبی به جزئیات مادی و معنوی مؤثر در پیروزی مرزداران، توجه می‌کند و از سویی دیگر، غایت این توجه را که حاکمیت حکم خداوند متعال است، متذکر می‌شود.

۲.۲. مباحث نظری پژوهش

۱.۲. الگوی هاج و کرس

این الگو در اواخر دهه هفتاد قرن بیستم میلادی توسط هاج (Hodge) و کرس (kress) ابداع شد. هاج و کرس با توجه به اهمیت ایدئولوژی در تحلیل گفتمان تلاش کردند، تعریف روشنی از ایدئولوژی ارائه دهند (هاج و کرس، ۱۹۹۶، به نقل از صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۲: ۱۱۲). این تحلیل گفتمان چهار



بخش اصلی دارد: ۱. نام‌دهی یا فرایند نام‌گذاری جمله‌ها ۲. اسم‌سازی یا عمل تبدیل جمله یا بخشی از آن به اسم ۳. به‌کارگیری معلوم در برابر مجهول و بالعکس ۴. جمله‌های کنشی در برابر اسنادی (صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۲: ۱۱۳). این چهار جزء اصلی در بخش کاربردی، تبیین خواهد شد.

۳. مباحث تحلیلی موضوع

۱.۳. نام‌دهی

نخستین مؤلفه الگوی تحلیل گفتمان هاج و کرس، نام‌دهی است که در آن، حوادث، افراد و اشیاء، نام‌گذاری می‌شوند تا بدین وسیله، ارزش آن‌ها در ذهن مخاطب سخن تغییر کند و اهمیت فرد، حادثه و یا شیء افزایش یا کاهش یابد. نمونه‌هایی از آن در این دعای شریف بیان می‌شود. در حقیقت، این نام‌دهی‌ها گام‌نهادن در راه فطرت است و ارزش‌های معنوی را به تصویر می‌کشد (صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۲: ۱۱۷) و راه گمراهی و ضلالت را آشکار می‌سازد.

امام سجاد (ع) در فراز چهارم دعا برای پشت‌نکردن به دشمن و فرار، از زبان توصیفی برای نام‌دهی استفاده می‌کند. این فراز علاوه بر مؤلفه نام‌دهی، در شمار جملات کنشی انتقالی نیز به شمار می‌آید؛ زیرا در آن به کنش اعداد و آماده‌نمودن خانه‌های بهشتی توسط پروردگار اشاره می‌شود: «لَوْحٌ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدَتْ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۱)؛ «و آنچه را در بهشت فراهم آورده‌ای از مساکن ابدی و سراهای ارجمند در برابر چشمانشان قرار ده» (انصاریان، ۱۴۰۱). «مساکن الخلد» و «منازل الکرامه» دو عنوانی است که امام (ع) در صدر نعم بهشتی برای نگریختن از دشمن، از آن استفاده کرده است. این نام‌دهی در راستای خواست‌های پیشین و منطبق با فضای دعاست و سعی دارد ذکر و یاد بهشت و نعم جاودان آن را، پیش روی مرزداران مسلمان قرار دهد. قابل‌ذکر است که در میان نعمت‌های بهشت، ابتدا مساکن و منازل آمده و سپس دیگر نعمت‌ها مانند حوریان بهشتی و نهرهای جاری با نوشیدنی‌های گوناگون و درختان دارای انواع میوه بیان شده است که حاکی از اهمیت مساکن و منازل است.

امام (ع) در فراز پنجم دعا برای درهم شکستن دشمنان و هزیمت آنان نیز، از زبان توصیفی در جهت نام‌دهی بهره می‌جوید. آنجا که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَقْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ وَأَقْلِبْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ... وَأَخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْنِدَتِهِمْ»؛ «بارخدا یا با آنچه از تو خواسته شد (مانند حفظ ثغور مسلمین، زیادکردن افراد آنان، مبتلا کردنشان به فراموشی و...) دشمنانشان را درهم شکن و دست قدرت آن نابکاران را از ایشان جدا ساز و بندهای دلشان را از جا برکن» (انصاریان، ۱۴۰۱). امام (ع) در این بخش از دعا، شکست



و هزیمت دشمن را خواستار است. بیان توصیفی «اقلم عنهم اظفارهم» و «وئائق أفندتهم» دو عنوانی است که در جایگاه تحلیل گفتمان انتقادی، امام سجاد (ع) برای ترسانیدن دشمن و شکست او، از آن بهره جسته است. این فراز نیز علاوه بر مؤلفه نام‌دهی، از نوع جملات کنشی انتقالی است؛ زیرا به درهم شکستن دشمن و جداسازی دست آنان از مرزهای مسلمین توسط خداوند اشاره دارد و البته به علت ماهیت دعا، دو کنش مذکور، از جانب کنش‌گر یعنی پروردگار بر کنش‌پذیر یعنی دشمن اعمال نشده است.

امام سجاد (ع) در فراز دهم از دعا، نام‌دهی‌هایی در خصوص هلاک و نابودی دشمنان دارد. آنجا که می‌فرماید: «وَأَخَذَهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنْقِصِهِمْ وَبِطُغْيَانِهِمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ»؛ «خداوند آنها (مشرکان) را به نقص بگیر که از تنقیص مسلمانان باز ماند و میان آنان پریشانی انداز که از گردآمدن بر مسلمانان منصرف شوند» (شعرانی، ۱۴۰۱). در شرح ریاض السالکین اخذ به نقص، به معنی هلاکت تدریجی دشمن معنا شده؛ به گونه‌ای که همگان را در بر می‌گیرد و معنی تنقص هم چنین است (مدنی، ۱۳۶۸: ۲۳۰/۴). در شرح فضل الله درباره نقص و نقصان آمده است که خدایا مشرکان را به هم مشغول ساز تا عده و عده آنان نقصان یابد و از نقص مسلمانان باز ماند (فضل الله، ۱۴۲۰: ۶۳/۲). بیان توصیفی «تَنْقِصُهُمْ» و «الاحتشاد علیهم» دو عنوانی است که در قالب نام‌دهی، برای کاستن دشمنان و پراکندگی ایشان استفاده شده است تا دشمنان را با نقصان و پراکندگی خود، از واردنمودن نقص و جدایی به مسلمانان عاجز کند. این نام‌دهی نیز به جهت حمایت و تقویت مرزداران مسلمان آمده است.

امام (ع) درهمین راستا در فراز دوازدهم از دعا، نام‌دهی‌هایی هم برای قلع و قمع کردن دشمنان دارد. «وَأَجْعَلْ مِيزَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَأَبْعِدْهَا عَنْهُمْ» «خواربار آنان را در بی‌باران‌ترین و دورترین زمین‌ها قرار ده» (رضائی، ۱۴۰۱). در ترجمه فیض الاسلام تهی‌ترین زمین، زمین کم آب و گیاه و دورترین آن، شهرهای دوردست معنا شده است (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۶). دو عنوان «أَحْصَ أَرْضِكَ» و «أَبْعِدْهَا عَنْهُمْ» عناوینی است که امام سجاد (ع) برای نام‌دهی زمین کم آب و گیاه و شهرهای دوردست از آن استفاده نموده است و این نام‌دهی نیز، در جایگاه تحلیل گفتمان تلاش دارد تا شکست و هلاکت دشمنان را نشان دهد و بر آن تأکید کند؛ زیرا حصّ در اصل به معنی تراشیدن پوست و رجل احصّ یعنی شخصی که موی کمی دارد و امام (ع) این وصف را برای تأکید بر خشکسالی و کمی آب و گیاه استعاره آورده است (مدنی، ۱۴۰۹: ۲۴۳/۴-۲۴۴).



امام (ع) در ادامه در فراز سیزدهم دعا، از زبان توصیفی در جهت نام‌دهی دیگری بهره می‌جوید. آنجا که می‌فرماید: «أَطْفِ عَنَّهُ حَرَارَةَ الشَّوْقِ وَأَجْزُهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ»؛ «بارخدایا سوز و شوق شهر و فرزند را در دل او فرو نشان و از اندوه تنهایی زینهار ده» (شعرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۹). نام‌دهی «حرارت شوق» و «اندوه تنهایی» دو عنوانی است که امام (ع) برای توصیف خاموش نمودن حرارت شوق و رهانمودن از اندوه تنهایی، از آن بهره جسته است و هر دو نشان‌دهنده احساسات درونی مرزداران مسلمان و در جهت معرفی ایشان است.

امام سجاد (ع) در ادامه نیایش برای مرزداران، در مقطع چهاردهم دعا، از زبان توصیفی برای نام‌دهی استفاده می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «وَأَثْرَلَهُ حُسْنُ النِّيَّةِ»؛ «او را (هنگام جنگ و در هر امری) به حسن نیت و آهنگ نیک راهنمایی کن» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۷). در العین اثرُ الحَدِث به معنی روایت سخن و نقل آن آمده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۶/۸)؛ یعنی وی را به فضائل حسن نیت الهام و ارشاد نما تا نیت او در جهاد صادقانه گردد و اخلاص پیدا کند (مدنی، ۱۳۶۸: ۲۵۴/۴). در شرح آفاق الروح، حسن نیت، از آثار افتتاح فکری دانسته شده است. (فضل الله، ۱۴۲۰: ۶۸ / ۲). «حسن نیت» نامی است که امام (ع) برای توصیف نیت مرزداران از آن استفاده نموده است و پیش از آن سخن از خاموش نمودن حرارت شوق و رهایی از غم تنهایی است که برای مجاهدین بسیار حیاتی است. در این فراز نیز اموری برای مرزداران از خداوند خواسته شده که حسن نیت در صدر آن قرار دارد و این نشان‌گر جایگاه رفیع حسن نیت است؛ بعد از آن عافیت، سلامت، دوری از ترس، جرأت، نیرومندی، پیروزی و... درخواست شده است. این نام‌دهی بنا بر الگوی حاج و کرس ذهنیت مثبتی در افکار ایجاد می‌کند و اذهان را به سمت خود سوق می‌دهد.

امام (ع) در فراز پایانی دعا، مانند فراز ابتدائی آن، کلام خود را با درخواست درود و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام پایان می‌دهد و این درود و تحیت را با اوصاف مختلفی چون «عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، لَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا» نام‌دهی می‌کند. این مقطع چنین است: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَوةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا»؛ «خدایا بر محمد بنده و رسولت و آل محمد درود فرست. درودی برتر از درودها و از نظر رفعت مرتبه بالای همه درودها که مدتش به پایان نرسد و شماره‌اش قطع نشود» (انصاریان، ۱۴۰۱). در معنی «عالية على الصلوات و مشرفة على التحیات» آمده است: صلواتی که به فضل و برتری زیادی اختصاص پیدا می‌کند که آن را از دیگر صلوات و تحیات



متمایز می‌نماید، همان‌گونه که مدعو او فضل و برتری بسیاری نسبت به انبیاء و مرسلین دارد (مدنی، ۱۳۶۸: ۴/۲۷۶). معرفی صلوات و تحیات در قالب نام‌دهی‌هایی چون «عالیه و مشرفه» و «لایتنهی امدها و لا ینقطع عددها» نشان‌گر شأن و مرتبه رفیع محمد و آل محمد علیهم السلام است. دو نام‌دهی اول در قالب اسم فاعل آمده و دو نام‌دهی بعد در قالب جمله کنشی غیرانتقالی بیان شده است. در این دو جمله، سخن از به‌پایان‌نرسیدن زمان صلوات و درود و قطع نشدن شمارش آن است که به بی‌انتهایی و بی‌شمارشی صلوات و درود اشاره دارد. کنش گر آمد و عدد و کنش، ینتهی و ینقطع است.

در مختصر المعانی، فصل احوال مسند آمده است که مسند به‌صورت فعل و اسم می‌آید؛ اما فعل آورده می‌شود تا مقید به یکی از سه زمان (ماضی، مضارع، امر) و مفید فایده تجدید باشد و به‌صورت اسم بیان می‌شود تا به عدم‌تقید و عدم‌افاده تجدد اشاره کند. یعنی مفید فایده دوام و ثبوت باشد (التفتازانی، ۱۴۱۱: ۸۷). بنابراین دو نام‌دهی عالیه و مشرفه، ثبوت و دوام برتری و رفعت صلوات را تبیین می‌کند و دو نام‌دهی لایتنهی و لا ینقطع نیز، تجدید و استمرار زمان و شمارش آن را بیان می‌دارد.

۲.۳. اسم‌سازی

دومین عنصر نحوی که در الگوی حاج و کرس بدان اشاره شده، مؤلفه اسم‌سازی است. در اسم‌سازی جمله یا بخشی از آن برای تأثیرگذاری بیش‌تر بر روی مخاطب و یا خواننده، به اسم تبدیل می‌شود. «در فرایند اسم‌سازی معمولاً یک جمله تبدیل به تک‌کلمه می‌شود که کنش‌گر یا کنش‌پذیر یا یکی از آنها مخفی می‌ماند. اگر در فرایند، کنش‌پذیر حذف نشود و تنها کنش‌گر حذف شود اسمی که ساخته شده، اطلاع‌رسانی خواهد بود. مانند جمله «کارگران فلسطینی در اعتراض به این که دست‌مزدشان پایین است، اعتصاب کردند» که به سه صورت اعتصاب، آن‌هایی که اعتصاب کردند و آن‌ها در اعتراض به دست‌مزد پایین‌شان اعتصاب کردند، اسم‌سازی می‌شود» (صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۲: ۱۱۴). به نمونه‌هایی از مؤلفه اسم‌سازی در دعای بیست و هفتم اشاره می‌کنیم.

امام سجاد(ع) در فراز دوازدهم دعا در بیان نزول بلا و امراض و بیماری‌های مختلف به جهت استیصال و ریشه‌کنی دشمنان می‌فرماید: «أَصْبَهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسَّقَمِ الْأَلِيمِ»؛ «آن‌ها را به گرسنگی همیشگی و بیماری دردناک دچار فرما» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۶). در شرح ریاض الساکین جوع مقیم، به معنی خشکسالی و قحطی دائم آمده که سبب گرسنگی مداوم می‌شود و وصف الیم برای سقم نیز به جهت مبالغه آمده است، همان‌گونه که خداوند عذاب را برای مبالغه به الیم وصف می‌نماید (مدنی، ۱۳۶۸: ۴/۲۴۵). در هر دو عبارت جوع و سقم به‌عنوان کنش از فعل بودن درآمده و به‌صورت



اسم بیان شده است و تمرکز بر جوع و سقم، نشان‌گر اهمیت این دو در فروپاشی و هلاکت دشمنان است و همراهی آن با صفات اسمی «مقیم و الیم»، تأکیدی بر منظورات اصلی سخن، یعنی هلاکت دشمنان و دعا برای مرزداران است. به عبارت دیگر، هلاکت دشمن، با این دو صفت تشدید و تقویت می‌شود؛ لذا در این جمله، اسم‌سازی و استفاده از صفات اسمی برای افزایش قدرت معنایی ترکیب آمده است.

امام(ع) در عبارت دیگر دعا در اواخر فراز شانزدهم، در تبیین جانشینی مسلمانان در امور رزمندگان و مرزداران می‌فرماید: «وَعَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاصِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَسُرُورَ مَا أَتَى بِهِ»؛ «بارالها به او نیز اجر همان رزمنده و مرزدار را وزن به وزن و مثل به مثل عنایت فرما و عمل او را پاداشی نقد عطا کن که بدون درنگ سود کاری که پیشاپیش فرستاد و شادی عملی که به‌جا آورد، در همین دنیا به‌دست آورد» (انصاریان، ۱۴۰۱). امام سجاد(ع) در این فراز، با ذکر کنش‌گر و کنش‌پذیر و تبدیل کنش به دو اسم «نفع ما قَدَّمَ» و «سرور ما أَتَى به»، بر آن است تا بر جانشینی تأکید کند. در این عبارت اسم‌سازی همراه با وصف اسمی «حاضرا» و جمله وصفی «يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَسُرُورَ مَا أَتَى به» بر تعویض و تبدیل تأکید دارد و این مطلب نیز در جهت محور اصلی دعا، یعنی پشتیبانی جبهه حق است. این اسم‌سازی، ذهنیت مثبتی در اذهان ایجاد می‌کند تا آنان را به سمت خود سوق دهد.

امام(ع) در ادامه معنای عوض دنیوی و عاجل را با آوردن پاداش اخروی به کمال می‌رساند. «إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَأَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ»؛ «تا آن‌گاه که زمان او به پایان رسیده (عمرش تمام شود) و به آنچه برای او در آخرت از فضل و احسانت روان ساخته‌ای و از کرم و بخشش آماده نموده‌ای، برسد» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۹). در عبارت اخیر که اکمال پاداش دنیوی است، کنش‌گر و کنش‌پذیر هر دو ذکر شده و کنش به‌صورت عبارت اسمی «فضلک» و «کرامتک» آمده است. این اسم‌سازی نشان‌گر دامنه وسیع فضل و کرامت الهی و ثبوت آن است و در جهت برجسته‌سازی کنش‌گر و کنش‌پذیر است و ذهنیت مخاطب را محدود به فضل و کرامت معینی نمی‌سازد.

۳.۳. به کارگیری مجهول در برابر معلوم و بالعکس

سومین عنصر نحوی که در الگوی هاج و کرس بدان اشاره شده، به کارگیری جملات مجهول به جای معلوم در جهت پنهان نمودن کنش‌گر و عامل و کم کردن نقش آن است. «در فرایند ساخت فعل مجهول، عاملیت عمل مخفی می‌شود و سعی در توجه اذهان به خود حادثه است و نه عامل آن» (صیادی‌نژاد، ۱۴۰۴: ۱۱۵). در جواهر البلاغه در تعریف جمله فعلیه آمده است که این جمله از فعل و فاعل و یا فعل و نائب فاعل تشکیل شده است تا در زمان معین و به اختصار، افاده تجدد و حدوث کند (الهاسمی، ۱۳۶۸:



۷۴). به شواهدی از مؤلفه به کارگیری مجهول در برابر معلوم و بالعکس در دعای بیست و هفتم صحیفه اشاره می‌شود.

امام سجاد (ع) در فراز هفتم دعا با ذکر فعل مجهول، در تبیین اختصاص امر پرستش به خدا و سجده برای او، می‌فرماید: «اللهم وَقَوِّ بِذَلِكَ مَحَالَ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَحَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ وَتَمَرِّ بِهِ اَمْوَالَهُمْ وَقَرِّفُهُمْ عَنْ مُحَارِبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْحُلُوةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْاَرْضِ غَيْرَكَ وَلَا تُعْفَرَ لِاحَدٍ مِنْهُمْ جَنْهَةٌ دُونَكَ»؛ «بارخدا یا به وسیله آنچه در باره دشمنان خواسته شد (مانند نازانی زنان، خشک نمودن پشت مردان، قطع نسل چهارپایان، عدم اذن به آسمان و زمین برای بارش و رویش)، تدبیر و دوراندیشی مسلمانان را نیرومند فرما و به سبب آن شهرهایشان را استوار و دارایی‌هایشان را بسیار نما و ایشان را از جنگیدن با دشمن برای عبادت و بندگیت و از زدو خورد با آن‌ها برای خلوت نمودن و تنهایی گزیدن با تو آسوده گردان تا در همه جای زمین جز تو پرستش نشود و جز برای تو پیشانی ایشان به خاک گذارده نگردد» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

آوردن دو فعل مجهول «یعبد» و «تعفر» و نیامدن فاعل، عدم تعلق گوینده به ذکر آن است و یا به این معنی است که هر عبادتی غیر از پرستش حق باطل است. آمدن فعل مضارع یعبد و تعفر نیز افاده حدوث و استمرار پرستش و پیشانی به خاک ساییدن دارد. در شرح ریاض السالکین، عبادت به معنی بالاترین مرتبه خضوع و خشوع معرفی شده که تنها به خداوند اختصاص دارد و امام (ع) با تخصیص عبادت به الله، غایت دعا را تضعیف اهل شرک و تقویت اهل اسلام قرار داده است (مدنی، ۱۳۶۸: ۲۱۲/۴).

به دنبال دو فعل مجهول ذکر شده، دو فعل معلوم «یکشفوا» و «یقروا» آمده که علت پرستش است و کامل کننده معنی عبادت و متضمن مفهوم امداد و توفیق الهی است که در تقابل جمله مجهول مذکور قرار می‌گیرد و به معنی جنگ با مشرکین و غلبه بر آن‌هاست. این فراز چنین است: «... حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ الثَّرَابِ قِتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا، أَوْ يَقْرُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»؛ «... تا دشمنان را به دورترین برهوت دورافتاده زمین فراری دهند و با کشتن و اسارت آنان، زمینت را از لوث وجودشان پاک نمایند یا اقرار کنند به این که تو خدایی و غیر تو خدایی نیست، تنهایی و همتا نداری» (انصاریان، ۱۴۰۱). آمدن دو فعل مضارع یکشفوا و یقروا، افاده استمرار درگیری با دشمن را دارد و به مفهوم دنبال نمودن او و کشتن و اسارت وی و یا تسلیم کردن آنان است. کنش گر در این دو فعل، رزمنده مسلمان و کنش پذیر دشمن و کنش‌ها تعقیب دشمنان و کشتن و اسارت آنان، و اقرارشان به وحدانیت الهی است.



۴.۳. جملات کنشی و اسنادی

آخرین مؤلفه الگوی هاج و کرس که در تحلیل متون مورد اهتمام محققان واقع می‌شود، جملات کنشی و اسنادی و تقابل بین آن‌دو است. جملات کنشی خود به انتقالی و غیرانتقالی تقسیم می‌شود و جمله‌های اسنادی به نسبی و هم‌سانی. در جمله‌های کنشی انتقالی، کنش‌گر فعلی را انجام می‌دهد و کنش‌پذیر آن را می‌پذیرد. در جملات غیرانتقالی کنشی وجود ندارد. مانند علی نگاه می‌کند که در آن علی نه کنش‌گر است و نه کنش‌پذیر. نوع سوم جملات، جمله‌های اسنادی سببی است و معمولاً برای توصیف به کار می‌رود؛ مانند علی کوشا است و نوع چهارم جملات اسنادی هم‌سان است که در آن هم‌مانند نوع سوم جمله‌ها کنشی در کار نیست، بلکه رابطه ساده بین دو اسم است. مانند جمله عادل فعال‌ترین کنش‌گر اجتماعی است که در آن بین عادل و فعال‌ترین رابطه ساده و یکسانی وجود دارد و هر دو یکی است (صیادی‌نژاد و دیگری، ۱۴۰۴: ۱۱۶). توجه به این خصیصه‌ها در فرایند معناسازی دخیل است، لذا در این بخش به برخی از این جملات، در دعای مذکور اشاره می‌شود.

۴.۳.۱. جملات کنشی (انتقالی و غیرانتقالی)

بخش‌هایی از دعای بیست و هفتم در قالب جملات کنشی، موردبررسی قرار می‌گیرد. جملات انتقالی دعا، به علت موضوع دعا، بیش‌تر مربوط به کنش‌هایی است که از جانب خداوند صورت می‌پذیرد و در مرحله دعاست و هنوز بر روی کنش‌پذیر واقع نشده است. امام سجاد (ع) در فراز نهم دعا، بعد از تبیین نام دشمنان، مانند هند و روم و ترک و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و دیگر اقوام، اشاره به شناخت و اشراف خداوند نسبت به آنان دارد. ایشان در این خصوص می‌فرماید: «وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ»؛ «درحالی‌که تو خود به علمت آن‌ها را می‌شناسی و با قدرتت بر آنان اشراف و نظارت داری». در النهایه ابن اثیر احصاء به معنی شمارش و حفظ آمده است (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ۳۹۷/۱). در این فراز بنابر مؤلفه جملات کنشی انتقالی الگوی هاج و کرس، کنش‌گر خداوند و کنش‌پذیر دشمن و کنش‌ها، معرفت و شناخت خداوند نسبت به دشمن و اشراف اطلاعاتی او بر آن‌هاست.

امام سجاد (ع) در بخش یازدهم دعا نیز، بعد از درخواست خالی نمودن دل‌های دشمنان از آرامش، و بدن‌هاشان از قوت، و فراموشی قلب‌هاشان از حيله، و ترسانیدن آنان از مبارزه با قهرمانان، و فرستادن لشکری از فرشتگان به یاری آنان، مانند عمل او در جنگ بدر، این امور را برای ریشه‌کنی دشمن و از بین بردن شوکت او و متفرق شدن آنان، لازم می‌داند. «تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَتَحْصُدُ بِهِ شُوكَتَهُمْ وَتَفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ»؛



«که به وسیله آن ریشه آنان را قطع کنی و شوکت و بزرگی شان را از بین ببری و گروهشان را متفرق سازی» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۵). در ریاض السالکین شوکت به معنی شدت قدرت و قوت در سلاح آمده است؛ یعنی خداوند حدّت و شدت قدرت دشمن را به وسیله اموری که در مقدمه این فراز خواسته شده، (مانند خالی نمودن دل‌های دشمنان از آرامش و...) از ریشه بر می‌کند (مدنی، ۱۳۶۸: ۲۴۰/۴). در این سه جمله کنش‌گر پروردگار و کنش‌پذیر دشمن و کنش‌ها، قطع کردن ریشه و از بین بردن شوکت و قدرت دشمن و پراکنده نمودن آن است که از جانب خداوند در باره آنان اعمال می‌شود.

امام (ع) در بخش پانزدهم دعا، به رویارویی مجاهدین با دشمنان خدا و دشمنان او اشاره دارد و درخواست می‌کند که در این موقعیت، تعداد آنان را کم، و مقامشان را در نزد وی کوچک، و او را بر دشمنان غالب و پیروز نماید. «فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّةُ قَلْبِهِمْ فِي عَيْنِهِ وَصَنَّرَ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ وَأَدِلَّ لَهُ مِنْهُمْ وَلَا تَدِلُّهُمْ مِنْهُمْ»؛ «هرگاه با دشمن تو و دشمن خود روبه‌رو شود، آنان را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک ساز و او را بر ایشان غلبه ده و آنها را بر او چیره مگردان» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۸). این فراز، تبیین مواجهه با دشمن و لوازم آن است که در قالب دعا و جمله شرطیه آمده است. در این مقطع چهار جمله وجود دارد که جمله اول، جمله شرط است و سه جمله بعد جزای شرط. در مختصر المعانی در خصوص نوع جمله‌های شرطیه آمده است که جمله شرطیه با جواب شرط تعیین می‌شود؛ یعنی اگر جواب شرط جمله خبری باشد، جمله شرط خبری است و اگر جمله انشائی باشد، انشائی است (التفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۸۸) فلذا جمله شرط إذا صافّ، جمله‌ای انشائی است و در آن، کنش رویارویی با دشمن را، در قالب جمله‌ای انتقالی توضیح می‌دهد که اگر کنش‌گر مجاهد با کنش‌پذیر دشمن مقابل شود، سه کنش از جانب حق صورت گیرد. این سه جمله، جواب شرط است و مانند فرازهای قبل در قالب دعا بیان شده است و درخواست سه کنش (اندک نشان دادن دشمن، کوچک کردن مقام او و غلبه بر وی) را دارد که از لوازم رویارویی با دشمن است. کنش‌گر در این سه جمله، پروردگار و کنش‌پذیر دشمن است و کنش‌ها کم‌نشان دادن دشمن و کوچک ساختن مقام وی و تسلط بر اوست.

در فراز پانزدهم دعا، داعی (ع) از خداوند درخواست می‌کند که اگر شهادت برای مجاهدین مقرر شده است، این شهادت بعد از سه کنشی باشد که به وقوع پیوسته است: کشتن دشمن و شکست و اسارت او و امنیت مرزها. «فَإِنْ خَتَمَتْ لَهُ بِالسَّعَادَةِ وَقَصَّيْتَ بِالشَّهَادَةِ قَبْعَدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ»؛ «اگر زندگی او را به نیک‌بختی پایان دادی و شهادت را برایش مقرر فرمودی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن ریشه کن سازد یا اسیر کند، پس از



آن باشد که اطراف سرزمین‌های مسلمین ایمنی یابد، پس از آن باشد که دشمنان به میدان جنگ پشت کرده، شکست‌خورده باز گردند» (انصاریان، ۱۴۰۱). این فراز نیز تبیین زمان شهادت است که در قالب جمله شرطیه و جواب آن، به‌صورت دعا بیان شده است. نوع جمله، جمله خبری است و در قالب فعل مضارع تبیین شده است تا معنای سه کنش ریشه‌کنی و امنیت‌بخشی و پشت کردن دشمن را استمرار بخشد. کنش قضای حتمی پروردگار در قالب سه جمله انتقالی و دو جمله غیرانتقالی تبیین می‌گردد که اگر خداوند برای مجاهد مسلمان شهادت مقدر نماید، بعد از سه کنشی باشد که انجام پذیرد. ریشه-کن شدن دشمن، شکست و تسلیم او و امنیت بلاد مسلمین. در دو فعل ختمت و قضیت، کنش‌گر خداوند و کنش‌پذیر مجاهد رزمنده و کنش پایان بخشیدن و مقدر نمودن است. در جمله یجتاح نیز، کنش‌گر مجاهد رزمنده و کنش‌پذیر دشمن و کنش ریشه‌کن ساختن است. دو جمله تأمن و یولّی جمله غیرانتقالی است و در آن کنش‌گر اطراف مسلمین و عدو، و کنش ایمنی بخشیدن و پشت کردن به میدان جنگ است. هر سه کنش یجتاح (ریشه‌کن ساختن) و تأمن (ایمنی بخشی) و یولّی (پشت کردن دشمن) جواب شرط است و در قالب دعا بیان شده است، یعنی هنوز کنشی انجام نشده است.

آخرین بخش از جملات انتقالی موجود در دعای بیست و هفتم صحیفه که بدان اشاره می‌شود و در قالب دعا هم بیان شده است، حسن ابتدا و انتهای دعاست که مقدمه و تمهید برای ادعیه دیگر شده است. در ابتدای دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ»، یا در فراز دوم دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُفِّرْ عَدَّتَهُمْ»، در مقاله عامری در تبیین تکرار صلوات بیان شده است که اغراض متعددی دارد که از جمله آن، تأکید تام و تمام معانی‌ای هست که باید به مخاطب یا خواننده منتقل شود (عامری، ۱۴۳۹: ۴۸۱). در فراز «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، کنش‌گر خداوند و کنش‌پذیر محمد و آل محمد علیهم السلام و کنش درخواست صلوات و درود است که در قالب دعا بیان شده است.

بخش‌هایی از دعای بیست و هفتم نیز در قالب جملات غیرانتقالی آمده است که از جمله آن فراز چهارم دعاست. در این فراز، به‌دنبال درخواست فراموشی دنیای فریبنده و زدودن حب مال از دل‌ها و قراردادن بهشت در مقابل دیدگان آمده است: «حَتَّى لَا يَهْمُ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسُهُ بِالْفِرَارِ»؛ «تا کسی از ایشان آهنگ پشت کردن به دشمن نکند و فکر گریز از هماورد را به خاطرش نگذراند» (انصاریان، ۱۴۰۱). دو جمله غیرانتقالی دعا در این فراز، عدم‌پشت کردن مجاهدین به دشمن و عدم حدیث نفس او، درباره فرار از خصم است.



پیش‌درآمد این دو جمله غیرانتقالی، درخواست سه کنش انتقالی از ساحت پروردگار، درباره رزمندگان و مجاهدین است که حاصل آن، عدم‌پشت‌کردن به دشمن و عدم‌فرار از اوست. یعنی این جمله‌ها: «أَنْسِيهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْعُرُورَ وَأَمَحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونَ وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصَبَ اعْيُنِهِمْ»؛ «یاد دنیای خدعه‌گر فریب‌کار را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه‌انگیز را از صفحه دلشان محو کن و بهشت را برابر چشمشان قرار ده» (انصاریان، ۱۴۰۱). در این سه جمله انتقالی که در مرحله دعاست، هنوز کنشی بر کنش‌پذیر واقع نشده است، کنش‌گر خداوند و کنش‌پذیر مجاهدینند و کنش‌ها درخواست از یادبردن دنیای فریبنده و از بین‌بردن حب مال و قراردادن بهشت در برابر دیدگان مجاهدین است که پیش‌تر توضیح داده شد.

۲.۴.۳. جملات اسنادی (سببی و هم‌سانی)

همان‌طور که پیش‌تر آمد، آخرین مؤلفه الگوی حاج و کرس، جملات انتقالی و اسنادی است. در سطور پیشین بخش‌هایی از دعای بیست و هفتم در قالب جملات انتقالی توضیح داده شد؛ در این قسمت جملات اسنادی سببی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که به‌طور معمول برای توصیف به کار می‌رود. برای نمونه امام سجاد (ع) در فراز هشتم دعا بعد از درخواست از خداوند برای فرستادن مسلمین هر ناحیه به جنگ با دشمن و امداد آنان با فرشتگان پی‌درپی خود می‌فرماید: حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ الثَّرَابِ قِتْلًا فِي أَوْصِكَ وَأَسْرًا، أَوْ يُقَرِّوْا بِأَنْكَ أُنْتُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ؛ «تا دشمنان خدا را به پایان خاک در زمین تو (جائی که عمارت و آبادی نیست) کشته و اسیر شده، رانده و شکست دهند و یا آن که تسلیم شده، اعتراف کنند که تویی خدائی که جز تو خدائی نیست در ذات یگانه و در صفات کمال بی‌شریکی» (فیض الاسلام، ۱۳۹۴: ۱۸۴). جمله «الذی لا إله إلا أنت وحدک لا شریک لک» جمله‌ای اسنادی سببی است که یگانگی و بی‌شریکی را به خداوند نسبت می‌دهد و به‌نوعی سبب کشاندن دشمن به پایان خاک و کشته و اسیر‌نمودن وی یا اعتراف اوست و هدف از بیان آن، تبیین صفات الهی است که در قالب جمله اسنادی سببی بیان شده است.

نمونه دیگری از جملات اسنادی سببی، در فراز نهم دعاست، هنگامی که دشمنان را توصیف می‌کند: «الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ»؛ «آنان که نام و نشان و اوصافشان بر ما پنهان است» (انصاریان، ۱۴۰۱). هدف از بیان این فراز، وصف دشمن است که به‌شکل جمله اسنادی سببی آمده است.



در دعای بیست و هفتم صحیفه، جمله‌های اسنادی هم‌سانی وجود نداشت تا با استفاده از الگوی حاج و کرس، تحلیل انتقادی شود؛ زیرا پایه این گونه جملات، مشابهت است و دعا برای مرزداران، بنا بر ذات خود، درخواست عبد از معبود است و تشابهی در آن نیست.

۴. نتیجه‌گیری

به کارگیری الگوی حاج و کرس در تحلیل گفتمان دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه، نشان‌گر اثرگذاری زبان در ایجاد معانی ایجابی و سلبی است که توسط امام سجاد (ع) در خصوص مزداری در قالب دعا تبیین می‌شود. نتایج حاصله از به کارگیری الگوی حاج و کرس در دعای مذکور در پاسخ به سه پرسش تحقیق به شرح ذیل است: در مؤلفه نام‌دهی، پررنگ‌نمودن پاداش اخروی مجاهدان و برجسته‌سازی ترسانیدن دشمن و هلاکت او و تاب‌آوری رزمندگان و اخلاص آنان، از نکات ارزشمندی است که نگاه توحیدی و اتکال به خدا را نشان می‌دهد. برای نمونه، مساکن الخلد و منازل الکرامه دو عنوانی است که امام (ع) در صدر نعم بهشتی برای نگریختن از دشمن، از آن استفاده می‌کند یا دو نام-دهی اقلم اظفارهم و اخلع وثائق أفندتهم که امام (ع) برای ترسانیدن دشمن و شکست او از آن بهره می‌برد. اسم‌سازی‌های موجود در دعا نیز تماماً در راستای جهان‌بینی توحیدی حاکم بر دعاست و مفاهیمی مانند ریشه‌کنی دشمن، جانشینی رزمنده و پاداش اخروی آن را در قالب اسم‌سازی به‌خوبی تبیین می‌کند. مانند عبارت جوع و سقم که به‌صورت اسم بیان می‌شود و اهمیت آن دو را در فروپاشی و هلاکت دشمنان می‌رساند. در خصوص مؤلفه جملات انتقالی دعا نیز، می‌توان گفت که بیش‌ترین بسامد از آن جمله‌های انتقالی است و مربوط به کنش‌هایی است که در مرحله دعاست یعنی درخواست انجام آن از خداوند می‌شود؛ درخواست از بین‌بردن قدرت دشمن، غلبه بر او، کاهش عده آنان در نگاه مجاهدین و تبیین زمان شهادت رزمندگان است؛ این بخش نیز تماماً توحید و اتکال به خداوند است. برای نمونه «تقطع» و «تحصد» دو کنشی است که برای قطع کردن ریشه دشمن است و برای از بین‌بردن شوکت و قدرت او، از جانب خداوند انجام می‌پذیرد. مؤلفه جمله‌های غیرانتقالی دعا نیز، در خصوص عدم‌فراموشی دنیای فریبنده و زدودن حب مال از دل‌هاست. مانند دو جمله لایهم احد و لایحدت نفسه که در جهت منظور اصلی دعا، یعنی عدم‌پشت‌کردن به دشمن و فرار از اوست. درباره مؤلفه جملات مجهول و معلوم دعا مانند یُعبد و یُعَفَّر نیز، می‌توان گفت که این جمله‌ها، مختص به امر پرستش خدا و علت آن است که در بخش اول با آمدن فعل مجهول، بر بندگی‌های غیرخدا خط بطلان می‌کشد و در بخش دوم، با آمدن فعل معلوم، غایت دعا را بیان می‌کند که اقرار به وحدانیت حق است. در خصوص مؤلفه جملات اسنادی



سببی، در دعا دو جمله الذی لا اله الا انت و الذین تخفی اسماؤهم وجود دارد که در راستای یگانگی و بی‌شریکی پروردگار و توصیف مخفی بودن اسامی دشمنان است. در این دعا، مؤلفه جملات اسنادی هم-سانی وجود ندارد؛ زیرا پایه هم‌سانی مشابهت است و در دعا مشابهتی نیست، زیرا دعا درخواست عبد از معبود و یا مقام دانی از عالی است. شایان ذکر است که استعاره‌های موجود در نام‌دهی و اسم‌سازی فرازهای گوناگون دعا، تأثیر کلام را بر مخاطب هر چه بیش‌تر می‌نماید. مانند عبارت اقلم عنهم اظفارهم «کوتاه کردن ناخن» برای جداسازی دست قدرت دشمن، عبارت واخلع وثائق افئدتهم «برکندن بندهای دل او» برای ترسانیدن دشمن و یا عبارت تحصد به شوکتهم «درو کردن شوکت» برای از بین بردن قدرت دشمن.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۴۲۱ق). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. دار ابن الجوزی.
- انصاریان، حسین. (۱۴۰۱). *ترجمه صحیفه سجادیه*. نرم‌افزار صحیفه سجادیه. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- التفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۱ق). *مختصر المعانی*. قم: ایران. منشورات دارالفکر.
- رضایی، محمدعلی. (۱۴۰۱). *ترجمه صحیفه سجادیه*. نرم‌افزار صحیفه سجادیه. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن. (۱۴۰۱). *ترجمه صحیفه سجادیه*. تهران، ایران: ناشر سازمان تبلیغات اسلامی
- صفایی، علی؛ سلطانی، بهروز. (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی (ع) به معاویه». *جستارهای زبانی*. سال ۷. ش ۷. بهمن و اسفند ۱۳۹۵. صص ۲۳-۴۹.
- صیادی‌نژاد، روح الله، نوازنی رحمان. (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان انتقادی دعای چهل و نهم صحیفه سجادیه با تکیه بر الگوی هاج و کرس». *دعا پژوهی*. ش ۴. بهار و تابستان ۱۴۰۲. صص ۱۰۷-۱۲۵.
- العامری، فضیلة عبوسی محسن. (۱۴۳۹ق). «بلاغة الحجاج في أدعية السجادة عليه السلام دراسة تداولية الصحيفة السجادية أ نموذجاً». *مجلة الكلية الإسلامية الجامعة*. ش ۴۶. صص ۴۶۷-۴۹۴.
- علایی رحمانی، فاطمه؛ وجدانی، نسرین؛ معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۴۰۲). «تحلیل محتوای دعای هفتم صحیفه سجادیه». *مشکوة*. بهار ۱۴۰۲. صص ۱۱۲-۱۴۰.
- فارسی مدان، علی. (۱۴۰۱). «بصیرت‌افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) با تأکید بر دعای ۲۷ صحیفه سجادیه». *دعا پژوهی*. ش ۲. شهریور ۱۴۰۱. صص ۱۳۴-۱۵۷.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۲۰ق). *آفاق الروح في ادعية الصحيفة السجادية*. بیروت، لبنان: دار الملائک للطباعة و النشر و التوزيع.



- فیض الاسلام، علینقی. (۱۳۹۴). **ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه**. تهران.
- کاظمی، پریسا؛ چراغی‌وش، حسین؛ جلیلیان، مریم؛ مقدم متقی، امیر. (۱۴۰۲). «تحلیل انتقادی گفت‌وگوهای صبح امام علی (ع) بر اساس الگوی نورمن فرکلانف». **دعای‌پژوهی**. ش. ۴. شهریور ۱۴۰۲. ص ۱۹۹-۲۲۰.
- مدنی، علیخان بن احمد؛ علی بن حسین (ع)، امام چهارم، و حسینی‌امینی، محسن. (۱۴۰۹-۱۳۶۸). **ریاض‌السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین صلوات الله علیه**. قم، ایران. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- Hodge. R and Kress. G. (1996). *Language as Ideology*. Great Britain: Redwood books.

متن دعا	تحلیل
لَوْنُ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَغْدَذَتْ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ	مساکن الخلد و منازل الکرامه دو عنوانی است که امام (ع) در صدر نعم بهشتی برای نگریندن از دشمن، از آن استفاده کرده است.
اللَّهُمَّ أَفْلُ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ وَأَقْلَمُ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ ... وَأَخْلَعُ وَثَاقَ أَفْعِدَتِهِمْ	بیان توصیفی اقلم عنهم اظهارهم و وثائق افعدتهم دو عنوانی است که در جایگاه تحلیل گفت‌وگوهای انتقادی، امام سجاد (ع) برای ترسانیدن دشمن و شکست او، از آن بهره جسته است.
وَأَخْذُهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنْقِصِهِمْ وَتَبْطُلُهُمُ بِالْفَرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ	بیان توصیفی تنقصهم و الاحتشاد علیهم دو عنوانی است که در قالب نام-دهی، برای کاستن دشمنان و پراکندگی ایشان استفاده شده است.
وَأَجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَأَبْعِدْهَا عَنْهُمْ	أحص ارضک و أبعدھا عنهم عناوینی است که امام سجاد (ع) برای نام-دهی زمین کم آب و گیاه و شهرهای دوردست از آن استفاده نموده است.
أَطْلِفْ عَنْهُ حَرَارَةَ الشَّوْقِ وَأَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ	نام‌دهی «حرارت شوق» و «اندوه تنهایی» دو عنوانی است که امام (ع) برای توصیف خاموش نمودن حرارت شوق و رهانمودن از اندوه تنهایی، از آن بهره جسته است.
وَأَثَرُ لَهُ حُسْنُ الْبَيْتَةِ	حسن نیت نامی است که امام (ع) برای توصیف نیت مرزداران از آن استفاده نموده است.
عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، لَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا	معرفی صلوات و تحیات در قالب نام‌دهی‌هایی چون عالیة و مشرفة و لاینتهی امدھا و لاینقطع عددھا نشان‌گر شأن و مرتبه رفیع محمد و آل محمد علیهم السلام است.
أَصْبَهُمُ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسُّقْمِ الْأَلِيمِ	تمرکز بر جوع و سقم، نشان‌گر اهمیت این دو در فروپاشی و هلاکت دشمنان است و همراهی آن با صفات اسمی مقیم و الیم، تأکیدی بر منظورات اصلی سخن، یعنی هلاکت دشمنان و دعا برای مرزداران است.
وَعَوَضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ وَسُرُورٌ مَا أَتَى بِهِ	وصف اسمی حاضر و جمله وصفی يتعجل به نفع ما قدّم و سرور ما اُتی به بر تعویض و تبدیل تأکید دارد.



عبارت اخیر اکمال پاداش دنیوی است و کنش به صورت عبارت اسمی «فضلک» و «کرامتک» آمده است. این اسم سازی نشان گر دامنه وسیع فضل و کرامت الهی و ثبوت آن است.	إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أُجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَأَعْدَدَتْ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ
علت آمدن فعل مجهول و نیامدن فاعل، عدم تعلق گوینده به ذکر آن است یا به معنی این که هر عبادتی غیر از پرستش حق باطل است.	حَتَّى يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ وَلَا تُتَعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جِبْهَةٌ دُونَكَ
آمدن دو فعل مضارع یکشفوا و یقزوا، افاده استمرار درگیری با دشمن را دارد و به مفهوم دنبال نمودن او و کشتن و اسارت وی یا تسلیم کردن آنان است.	حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْطَبِعِ الرَّابِّ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَشْرًا، أَوْ يَقْزُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
در این فراز، کنش گر خداوند و کنش پذیر دشمن و کنش ها، معرفت و شناخت خداوند نسبت به دشمن و اشراف اطلاعاتی او بر آنهاست.	وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ يُقَدِّرَنَّكَ
در این سه جمله، کنش گر پروردگار و کنش پذیر دشمن و کنش ها، قطع کردن ریشه و از بین بردن شوکت و قدرت دشمن و پراکنده نمودن آن است که از جانب خداوند درباره آنان اعمال می شود.	تَقْطَعُ بِهِ دَائِرَهُمْ وَتَحْصُدُ بِهِ شُوكَتَهُمْ وَتَفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ
این فراز تبیین مواجه با دشمن و لوازم آن است که در قالب دعا و جمله شرطیه آمده است و بنا بر طبیعت دعا، کنش ها در مرحله دعاست و هنوز بر کنش پذیر اعمال نشده است.	فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ وَصَغُرْ شَأْنُهُمْ فِي قَلْبِهِ وَأَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ وَلَا تُدْلِهِمْ مِنْهُمْ
این فراز نیز تبیین زمان شهادت است که در قالب جمله شرطیه و جواب آن، به صورت دعا بیان شده است.	فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ وَقَصَّيْتَ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ وَبَعْدَ أَنْ يُؤْلَى عَدُوَّكَ مُذْبِرِينَ
در این فراز، کنش گر خداوند و کنش پذیر محمد و آل محمد علیهم السلام و کنش درخواست صلوات و درود است که در قالب دعا بیان شده است	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
دو جمله غیر انتقالی دعا در این فراز، عدم پشت کردن مجاهدین به دشمن و عدم حدیث نفس او، درباره فرار از خصم است.	حَتَّى لَا يَهْمُهُمْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِالْفِرَارِ
در این سه جمله انتقالی که در مرحله دعاست، کنش گر خداوند و کنش - پذیر مجاهدینند و کنش ها درخواست از یاد بردن دنیای فریبنده و از بین بردن حب مال و قراردادن بهشت در برابر دیدگان مجاهدین است	أَنْسِيَهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغُرُورِ وَأَمَحْ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفِتْنِ وَاجْعَلْ الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ
جمله ای استادی سببی است که یگانگی و بی شریکی را به خداوند نسبت می دهد.	الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
هدف از بیان این فراز، وصف دشمن است که به شکل جمله استادی سببی آمده است.	الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَصَفَاتُهُمْ

